بخش ۵

اقتصاد جهان و ایران

فصل اول

اقتصاد بین‌الملل

آیا کشوری را می شناسید که به روابط اقتصادی بین‌المللی نیاز نداشته باشد؟

انسان‌ها به دلیل توانایی‌ها و خواسته‌های گوناگونی که دارند به برقراری ارتباط با یکدیگر نیازمندند. روابط اقتصادی بین آنها نیز براساس همین نیاز شکل می‌گیرد. این روابط گاه به صورت بسیار ساده و در حدّ مبادلهٔ بین افراد در داخل یک کشور و زمانی به شکل پیچیده و در سطح بین‌المللی بروز می‌کند. صادرات و واردات کالا و خدمات، سرمایه‌گذاری خارجی (یا حرکت سرمایه)، برقراری روابط تجاری با ملت‌های دیگر، تشکیل اتحادیه‌های اقتصادی و مالی با کشورهای همسایه و اجرای موافقت‌نامه‌های همکاری اقتصادی از موارد مطرح در اقتصاد بین الملل است.

امروزه علاوه بر مبادلات بین کشورها، شرکت‌های چندملیتی و فراملیتی نیز در دنیا شکل گرفته‌اند که گاهی تولیدات و درآمدهای آنها از بسیاری از کشورها، بیشتر است. همچنین ده‌ها سازمان جهانی و بین المللی با هدف هموار کردن تجارت بین کشورها و تنظیم روابط آنها فعالیت می‌کنند.

موانع گسترش تجارت بین‌الملل در گذشته

در زمان‌های گذشته، هرچند بازرگانان، کالاهای مختلفی را از کشوری به کشورهای دیگر برای

فروش می‌بردند، عواملی چند مانع رشد و توسعهٔ تجارت بین‌الملل به شکل امروزی می‌شد. مهم‌ترین این عوامل عبارت بود از :

۱ــ موانع قانونی، ناامنی و ضعف دولت‌ها : در گذشته، ناامنی و ضعف دولت‌ها در حاکمیت بر سرزمین خود مانع می‌شد که افراد با خاطری مطمئن به تجارت بپردازند؛ برای مثال، اگر فردی می‌خواست کالایی را از شهری به شهر دیگر صادر کند با خطر حمله و هجوم دزدها و راهزنان روبه‌رو می‌شد. همچنین، حاکمان محلی با هدف حمایت از صنایع داخلی به هر قیمتی و هرچند غیرعقلانی، هرگونه مراودهٔ خارجی را تهدید تلقی می‌کردند و اجازهٔ گسترش روابط اقتصادی بین‌المللی را نمی‌دادند. مجموعهٔ این مسائل، سبب از بین رفتن انگیزهٔ تجارت خارجی در افراد می‌شد.

۲ ــ هزینه‌های تجارت : نبود وسایل حمل و نقل و راه‌های مناسب، هزینه‌های تجارت را به‌شدت افزایش می‌داد به طوری که به ناچار حمل و نقل کالاها فقط در فواصل کوتاه و نزدیک انجام می‌شد و اغلب، افراد در طول عمر خود به‌ناچار فقط کالاهایی را مصرف می‌کردند که در منطقهٔ محلّ سکونت آنها تولید می‌شد. تولیدکنندگان نیز به‌ناچار همیشه اندازهٔ محدودی کالا تولید، و به بازارهای داخلی عرضه می‌کردند و هرگز از تولیدات دیگران بهره نمی‌بردند.

انقلاب دریانوردی ایرانیان و مسلمانان در قرون ۱۲ــ۱۳ میلادی و سپس اروپاییان در قرن ۱۵، و پیدایش صنعت بخار، حمل و نقل ریلی و هوانوردی و به دنبال آن، پیشرفت دانش فنی بشر، وجود امنیت نسبی در سرزمین‌ها، راه‌های مناسب و مقررات مورد قبول بین‌المللی، موجب شد هزینه‌های تجارت نه تنها در داخل مرزها بلکه در خارج از آن نیز کاهش یابد.

کاروان‌های تجاری در گذشته

به همین سبب، امروزه کالاها به سرعت از مناطق تولید به سرتاسر جهان انتقال می‌یابد و هیچ‌کس از این اتفاق بزرگ شگفت‌زده نمی‌شود. در حالی که در گذشته، هرگز کسی تصور نمی‌کرد که روزی بتواند قهوهٔ برزیل و برنج پاکستان را در فاصلهٔ هزاران کیلومتری از محلّ تولید آنها در خانهٔ خود مصرف کند. هم‌اکنون، روزانه هزاران تُن نفت از محلّ استخراج به سراسر کرهٔ زمین انتقال می‌یابد و کالاهای فاسد شدنی با وسایل حمل و نقل مجهز به سامانه‌های خنک‌کننده، بدون از دست دادن کیفیت خود در چند ساعت به نقاط مورد نظر حمل می‌شود.

فعالیت ۱-۱

فهرستی از کالاهایی را تهیه کنید که امروزه توسط شما مصرف می‌شود ولی در زمان پدربزرگ و مادربزرگ شما به دلیل نبود تجارت بین المللی مصرف نمی‌شد.

تاجر و تجارت بین‌الملل

تولیدکنندگان معمولاً فرصت، تخصص و امکانات لازم را برای فروش تولیدات خود به مصرف کنندگان کشورهای دیگر ندارند؛ به همین دلیل، این کار را از طریق افرادی انجام می‌دهند که شغل آنها خرید محصول در مرکز تولید، و فروش آن در مناطق مصرف بین المللی است. به این افراد در اصطلاح «تاجر» یا «بازرگان» گفته می‌شود. این افراد و نیز کسانی که امروزه به آنها صادرکننده، واردکننده و «بازاریاب بین المللی» نیز گفته می‌شود، می‌توانند با اطلاع از بازارهای کشورهای دیگر و نیازها و علایق مصرف کنندگان خارجی به تولیدکنندگان داخلی و افزایش رونق اقتصادی کشور کمک شایانی بکنند.

امروزه همراه با گوناگون شدن کالاهای تولیدی و گسترش وسایل حمل و نقل و ظهور بسیاری از تحولات دیگر، تجارت با روش‌های علمی انجام می‌گیرد. در همهٔ دانشگاه‌های دنیا نیز رشته‌های خاصی در زمینه تجارت و بازرگانی وجود دارد و هزاران نفر در این رشته‌ها به تحصیل مشغول هستند؛ بنابراین، هر کشور و سازمانی که نیروهای متخصص و آموزش دیدهٔ بیشتری در اختیار دارد در زمینهٔ تجارت جهانی موفق‌تر است.

فعالیت ۲-۱

در زمینهٔ آموزش بازرگانی در دانشگاه‌های کشور چه رشته‌هایی وجود دارد؟ دراین باره تحقیق کنید.

چرا ملت‌ها به تجارت روی می‌آورند؟

موقعیت و امکانات طبیعی موجود یا فنّاوری در هر کشور سبب می‌شود که ساکنان آن کشور به تولید کالاهای خاصی بپردازند؛ برای مثال، انار و فرش در اغلب کشورهای دنیا و آناناس در ایران تولید نمی‌شود یا بسیاری از واکسن‌ها در کشورهای همسایهٔ ما، هنوز امکان تولید ندارد؛ در عین حال مردم هر کشور نیازهای گوناگونی دارند که اغلب، امکانات داخلی برای رفع آنها کافی نیست؛ از این‌رو، کشورهای مختلف باید از طریق تجارت بین‌الملل، نیازهای متقابل یکدیگر را برطرف کنند.

عوامل متعددی موجب روی آوردن کشورها به تجارت بین‌الملل می‌شود که برخی از آنها عبارت است از :

۱ــ یکسان نبودن منابع و عوامل تولید : کشورها از نظر در اختیار داشتن منابع طبیعی، معادن زیرزمینی و سرمایهٔ انسانی متخصص، وضع یکسانی ندارند. بعضی از آنها از زمین‌های حاصلخیز و منابع آبی کافی، برخی از منابع زیرزمینی فراوان و برخی دیگر از نیروی انسانی متخصص بهره‌مندند.

۲ــ یکسان نبودن کشورها از نظر دسترسی به فنّاوری : دستیابی به فنّاوری کار ساده‌ای نیست و کشورهای موفق با تلاش و صرف هزینه‌های فراوان موفق شده‌اند به اختراعات جدید و فنّاوری‌های نوین دست یابند؛ به همین دلیل، آنها یافته‌های خود را به رایگان در اختیار سایر کشورها قرار نمی‌دهند؛ همچنین انتقال فنّاوری هم به‌سادگی ممکن نیست؛ از همین‌رو، در وضعیت حاضر سطح فنّاوری در کشورهای مختلف متفاوت است. بدیهی است که دسترسی به علوم و فنّاوری‌های جدید و موفقیت در به‌کارگیری آنها موجبات افزایش تنوع و کیفیت کالاهای تولیدی و کاهش هزینه‌ها را فراهم می‌آورد.

۳ــ وضعیت اقلیمی متفاوت : تنوع آب و هوایی و وضعیت طبیعی متفاوت در سرزمین‌های

مختلف، باعث می‌شود که هر سرزمین زمینهٔ تولید محصولات خاصی را داشته باشد؛ برای مثال، خشکبار در وضعیت آب و هوایی برخی نقاط ایران و میوه‌های استوایی در موقعیت آب و هوایی کشورهای استوایی به عمل می‌آید.

مزیت مطلق و مزیت نسبی

سه عاملی که در بخش گذشته مطرح شد، توان تولیدی منطقه یا کشوری را در مقایسه با منطقه یا کشور دیگر، تغییر می‌دهد و موجب می شود تولید محصولی نسبت به محصولی دیگر «مقرون به‌صرفه‌تر» شود؛ به عبارت دیگر مزیت اقتصادی ایجاد می‌کند. دو کشور ایران و برزیل را در نظر بگیرید. برای سادگی، فرض کنید :

- هر دو کشور به یک اندازه از نیروی کار، سرمایه و دانش فنی برخوردارند. فقط غذا و پوشاک با قیمت‌های یکسان تولید می‌شوند.
- هر دو کشور اگر همه عوامل تولیدشان را با اشتغال کامل برای تولید غذا به‌کار بگیرند، ایران ۶۰ واحد و برزیل ۴۰ واحد تولید می‌کند.
- هر دو کشور اگر همه عوامل تولیدشان را با اشتغال کامل برای تولید پوشاک به کار بگیرند، ایران ۳۰ واحد و برزیل ۷۰ واحد تولید می‌کند.

در این صورت می‌گوییم برزیل در تولید پوشاک و ایران در تولید غذا «مزیت مطلق» دارند. در نتیجه بهتر است در محصولی که مزیت دارند، تخصص و تمرکز یابند و محصولات خود را با یکدیگر مبادله کنند. با این تقسیم کار، رفاه مردم دو کشور و نیز مجموع تولید جهان افزایش می‌یابد.

حال کشور دیگری مثل کنیا را در نظر بگیرید که از نظر عوامل تولید با دو کشور ایران و برزیل یکسان است. چنانچه کنیا همه امکانات خود را بر تولید غذا متمرکز کند، می تواند ۲۰ واحد غذا، و اگر به پوشاک تخصیص دهد ۱۰ واحد پوشاک تولید کند. در این مثال ملاحظه می‌شود که کنیا در تولید غذا و پوشاک نسبت به ایران و برزیل مزیت اقتصادی ندارد؛ یعنی، هیچ‌کدام از آن دو کالا را به صرفه تولید نمی‌کند؛ به عبارت دیگر قیمت تمام شده هر دو کالا در کنیا از دو کشور دیگر بیشتر است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا کشور کنیا به‌هیچ‌وجه امکان تخصصی شدن و حضور در تجارت جهانی را ندارد.

اقتصاددانان در این حالت مفهوم «مزیت نسبی» را به‌کار می برند و می‌گویند هرچند کنیا در غذا و پوشاک، نسبت به دیگر کشورها مزیت مطلق ندارد در کشور خود در تولید غذا نسبت به پوشاک،

مزیت نسبی دارد (۲۰به ۱۰). بنابراین باید در صنعت غذا متمرکز شود و پوشاک مورد نیاز خود را از برزیل وارد کند.

اگر اصل مزیت‌های مطلق و نسبی رعایت نشود، اولاً منابع و سرمایه‌ها در فضای تولید اسراف و تبذیر می‌شود و ثانیاً با تولید محصولات کمتر و بی‌کیفیت، رفاه جوامع کاهش می‌یابد.

فعالیت ۳-۱

چرا فرش و پستهٔ ایران به خارج صادر می‌شود؟ در این زمینه تحقیق کنید.

دو مفهوم مزیت مطلق و مزیت نسبی در هر زندگی جمعی اعم از شهری، منطقه‌ای و جهانی مطرح است و خانواده یا کشور را به «تک محصولی شدن»[1] سوق می‌دهد. به همین دلیل اغلب خانوارهای در زندگی اجتماعی شهری، تک محصول است؛ به عنوان مثال یکی قصاب است و دیگری خیاط و هیچ خانواری نمی تواند مستقل و خودکفا از اجتماع باشد. در دنیای بدون تقسیم کار و بدون مبادله، زندگی اجتماعی انسان، معنا ندارد.

آیا تجارت بین‌الملل دارای منافع است؟

تجارت بین‌الملل برای تمامی کشورها و مؤسسات و افراد، می‌تواند سودآور باشد؛ زیرا اصل مزیت نسبی موجبات تخصص و تقسیم کار بین المللی را فراهم می آورد و کشورها با توجه به برتری یا مزیت نسبی خود در تولید یک یا چند کالا، و انتقال منابع از بخش‌های بدون مزیت به بخش‌های دارای مزیت، کمیت و کیفیت تولید خود را افزایش می‌دهند. در این صورت با تقسیم کار و مبادله، حجم و کیفیت کالاهای تولید شده در جهان افزایش می‌یابد و بنابراین سطح رفاه و زندگی مردم جهان بهبود می‌یابد.

تجارت بین الملل فواید جانبی دیگری هم برای تولیدکنندگان و مصرف کنندگان دارد :

۱ــ تولیدکنندگان

الف) ادامهٔ کار بسیاری از تولیدکنندگان به وارد کردن ماشین‌آلات و لوازم یدکی یا مواد اولیه از دیگر کشورها بستگی دارد.

ب) بازارهای داخلی محدود است؛ به همین دلیل، تولیدکنندگان از طریق صادرات می‌توانند به بازارهای وسیع‌تری دسترسی پیدا کنند و کالاهای اضافی خود را با قیمت مناسب و وضعیت بهتر به

۱ــ اگر عامل اقتصادی چند مزیت داشته باشد، چند محصولی می‌شود.

فروش رسانند.

پ) در نتیجهٔ تجارت بین‌الملل، کالاهای خارجی وارد کشورها می‌شود و اگر این امر هدفمند و با مدیریت صحیح انجام شود، تولیدکنندگان داخلی به منظور رقابت با تولیدکنندگان خارجی به تلاش بیشتر برای تولید بهتر و کارآمدتر وادار می‌شوند.

۲ــ مصرف‌کنندگان

الف) واردات کالاهای خارجی به مصرف‌کنندگان امکان می‌دهد که از کالاهای گوناگون و ارزان استفاده کنند؛ زیرا کالاهای خارجی در صورتی وارد کشور می‌شوند که از کالاهای مشابه داخلی ارزان‌تر و مرغوب‌تر باشند یا مشابه آنها در داخل تولید نشود.

ب) صادرات کالا به خارج سبب می‌شود که مصرف‌کنندگان ارز لازم برای پرداخت بهای کالاهای ضروری وارداتی را به‌دست آورند.

مبادلات بین‌المللی در بازارهای نیروی کار و سرمایه

روابط اقتصادی بین کشورها فقط به تجارت بین الملل (مبادلهٔ کالا و خدمات) محدود نمی‌شود بلکه به مهاجرت نیروی کار و حرکت سرمایه (جابه‌جایی عوامل تولید) از نقطه‌ای از دنیا به نقطه‌ای دیگر که وضع بهتری دارد، نیز اطلاق می‌شود؛ برای مثال، کارگران خارجی در ایران و کارگران ایرانی در خارج به دنبال موقعیت‌های بهتر شغلی هستند. یا هر کشوری در پی جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی برای کشور خود است تا بدین ترتیب نه تنها پس‌اندازهای داخلی خود بلکه پس‌اندازهای کشورهای دیگر را نیز در جهت رشد و افزایش کارخانه‌ها و بخش‌های تولیدی داخل به‌کار گیرد.

سیاست‌های تجاری

کشورها متناسب با وضعیت اقتصادی خود، سیاست‌های تجاری مختلفی را انتخاب می‌کنند. چه‌بسا، کشوری برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی یا کاهش وابستگی خود به کشورهای دیگر کالاهای وارداتی، انواع موانع تجاری مثل تعرفه‌های گمرکی، عوارض وارداتی یا سهمیهٔ وارداتی وضع کند یا برای تشویق صادرکنندگان داخلی به منظور نفوذ به بازارهای جهانی یا تشویق سرمایه‌گذاران خارجی به سرمایه‌گذاری در داخل، یارانه‌های مختلف و انواع تسهیلات اقتصادی و حقوقی ارائه کند.

معمولاً کالاها و صنایع راهبردی (مثل صنایع دفاعی، انرژی و گندم) و همچنین صنایع نوزاد (مثل برخی فنّاوری‌های نوین در ایران) که در ابتدای عمر خود هستند و توان رقابت با صنایع خارجی

را ندارند در همهٔ کشورهای دنیا مشمول حمایت می‌شوند.

فعالیت ۴-۱

تحقیق کنید چگونه سیاست نرخ ارز می‌تواند موجب حمایت از واردکنندگان یا صادرکنندگان شود.

چند پرسش اساسی

با توجه به این مطالب ممکن است سؤالاتی ایجاد شود :

- چرا برخلاف الگوی فرضی مطرح شده، تک محصولی شدن کشورها در دنیای واقعی، مطلوب نیست؟
- اگر تحلیل علمی مبتنی بر «مزیت‌های مطلق و نسبی» درست است، آیا تأکید بر «استقلال اقتصادی» و «خودکفایی» و «عدم وابستگی»، غیرعلمی است؟
- چرا بر تولید و مصرف کالای ملی تأکید می‌شود؟
- چرا منافع تجارت بین الملل به کشورهای قدرتمند و زیان آن به کشورهای ضعیف می‌رسد؟

پاسخ این سؤال‌ها ظاهراً با مفهوم مزیت مغایر است. به همین دلیل برخی‌آن را مفهومی استعماری می‌دانند؛ اما واقعیت این است که این مفاهیم، درست و منطقی است. در ادامه با واقعی‌ترکردن مثال ساده ایران و برزیل، نشان می‌دهیم چگونه اقتصاددانان بین منافع ملی و منافع بین‌المللی ترکیب جامعی ایجاد می‌کنند.

محصولات راهبردی[1]

منازعات و جنگ‌های اقتصادی قرن‌های اخیر و رفتار استکباری قدرت‌های جهان موجب شده است اقتصاددانان به اهمیت خودکفایی در بعضی از تولیدات داخلی و عدم وابستگی برای تأمین آنها از خارج تأکید کنند. کالاهای ضروری مثل دارو و غذا و محصولات کشاورزی، حوزه انرژی (اعم از نفت و هسته‌ای و انرژی‌های نو) و صنایع نظامی و دفاعی می تواند موجب بهانه جویی و سلطه دشمن یا رقیب، و ضعف و وابستگی کشور شود، این کالاها و خدمات را که تولید آنها بدون توجه به میزان سود، هزینه و بازار و ... انجام می‌شود «محصولات راهبردی» می‌نامند؛ بدین ترتیب اقتصاددانان به «مزیت نسبی راهبردی» و منافع سیاسی و غیراقتصادی هم توجه می‌کنند.

۱ــ استراتژیک.

خلق ارزش بهتر از بیکاری

هرچند اصل بر رعایت مزیت‌های مطلق و نسبی و عدم تخصیص امکانات تولید به حوزه‌های غیرمزیتی است، اما اگر در کوتاه مدت برای عوامل تولید (مثل نیروی کار بی‌مهارت) اشتغالی ممکن نباشد، تولید و خلق ارزش افزوده حتی در محصولی غیرمزیتی و کم، از بیکاری بهتر است.

احیا و خلق مزیت اقتصادی

محیط جغرافیایی و طبیعت، مزیت‌های اقتصادی را در اختیار هر کشور می گذارد. اما نباید به آن مزیت‌های بالفعل بسنده کرد. «احیای مزیت‌های بالقوه» (مانند محصولات کشاورزی جدید و پرمحصول یا صنایع جدید دریایی) و «خلق مزیت‌های اقتصادی جدید» به‌ویژه در عرصه خدمات، علم و فناوری و صنایع فرهنگی (تمام محصولات نرم)، می تواند کشورها را از مسیر عقب ماندگی قبلی برهاند. به همین دلیل اقتصاددانان بر سرمایه انسانی، نوآوری و اقتصاد دانش بنیان تأکید می‌کنند. بسیاری از منابع ثروت و موفقیت کشورهای پیشرفته، ناشی از مزیت‌هایی است که تا چند قرن پیش فاقد آنها بوده‌اند و اکنون دارای آن هستند.

علاوه بر این کشورهای موفق، پیوسته در حال انتقال از مزیت‌هایی با ارزش افزوده کمتر به مزیت‌های با ارزش افزوده بیشتر هستند. کشورهایی که زمانی به دلیل صنعتی بودن، پیشرفته به شمار می‌رفتند، امروزه صنایع خود را به کشورهای دیگر منتقل می کنند.

حمایت از صنایع نوزاد و گلخانه‌ای

مزیت داشتن یا نداشتن، مفهومی ایستا و دائمی نیست؛ به عبارت دیگر اگر کشوری به دلیل محدودیت‌های طبیعی، مزیت اقتصادی نداشته باشد به این معنی نیست که نمی‌تواند به مزیت دست یابد. اگر محصولی با هزینه تمام شده زیاد و کیفیت کم تولید شود با حمایت دولت یا مصرف‌کنندگان از آن (خرید کالای ملی)، می‌تواند مزیت به دست آورد. بدیهی است این حمایت‌ها باید مشروط، گام به گام و در محدوده زمانی معین باشد.

علاوه بر آن، پیشرفت‌های علم و فناوری موجب شده است امروزه دیگر محدودیت‌های طبیعی مانع کسب مزیت اقتصادی نباشد؛ به‌طور مثال چه بسا کشوری که دریا ندارد با فناوری می تواند محصولات شیلات تولید کند!

«صنایع نوزاد» و «صنایع گلخانه‌ای» به صنایعی گفته می‌شود که با حمایت دولت و مردم در

مسیر کسب مزیت اقتصادی است.

تولید فراملیتی و چند ملیتی

امروزه تولید اغلب کالاها به ویژه تولید کالاهای الکترونیکی، فرامرزی شده است و عباراتی مانند « ساخت ژاپن » معنایی ندارد. اقتصادهای هوشمند با تأسیس مؤسسات چندملیتی و فراملیتی، مزیت‌های اقتصادی کشورهای دیگر را به خود اختصاص می‌دهند[1] (و یا در حالت خوشبینانه آنها را هم در تولید مشارکت می‌دهند). کارگر در برخی کشورها از کشورهای دیگر بسیار ارزان‌تر است. به همین دلیل مارک‌های تجاری معروف دنیا، اغلب کارخانه خود را به آن کشورها منتقل می کنند (مانند تولید پوشاک مارک‌دار انگلیسی در بنگلادش).

قیمت‌گذاری ناعادلانه

در مثال قبلی، تجارت بین ایران و برزیل منافع دوسویه ای داشت؛ اما این منفعت به قیمت مبادله بستگی داشت؛ به عنوان مثال اگر قیمت جهانی پوشاک ده برابر غذا باشد، تجارت بین ایران و برزیل، دیگر برای ایران سودآور نخواهد بود. قیمت گذاری ناعادلانه قدرت‌های اقتصادی، ارزش‌های نابرابری بین محصولات کشورهای قوی و ضعیف برقرار می کند و در نتیجه انرژی، محصولات کشاورزی، غذا، و اغلب محصولات خام و فاقد فناوری قوی در دنیا ارزان است. در مقابل محصولات با فناوری بالا[2] و دانش بنیان، گران ارزش‌گذاری می شود.

بنابراین تجارت جهانی منافع را افزایش می دهد به شرط اینکه منافع حاصل از تجارت، عادلانه تقسیم شود و از سوی برخی کشورهای قدرتمند مصادره نشود.

ضرورت تعاملات بین المللی و حضور جهانی

تأکید بر استقلال اقتصادی و خودکفایی یا تولید ملی و جایگزینی واردات به معنای قطع روابط تجاری و اقتصادی با دنیا و انزوا و گوشه‌گیری از اقتصاد بین‌الملل نیست. نباید نادیده گرفت که عرصهٔ تجارت بین‌المللی، عرصهٔ تلاش و رقابت است و در فضای رقابتی، فقط کسانی برنده‌اند که ضمن شناسایی و افزایش توانمندی‌های تولیدی خود (مزیت نسبی)، فرصت‌های بین‌المللی را نیز به‌خوبی بشناسند

۱ــ یکی از شیوه‌های استعمار نوین، انتقال صنایع مونتاژ، صنایع کثیف (صنایع آلاینده) و یا تأسیس صنایع متناسب با منابع طبیعی در کشور مقصد است. این روش با اعطای وام و یا سرمایه گذاری خارجی انجام می‌شود و معمولاً کشور مقصد آن را برای خود موفقیت به شمار می‌آورد.

۲ــ Hi-tech

و با هوشمندی و کوشش فراوان و افزایش همکاری‌های دوجانبهٔ بین المللی از آنها بهره‌مند شوند.

فعالیت ۵-۱

چگونه می‌توان در فضای بین المللی حضور داشت و از منافع آن استفاده کرد؟
در کلاس گفت‌وگو کنید.

شکنندگی و آسیب‌پذیری اقتصادی

هرچند زندگی عموم انسان‌ها در جامعه شهری بر تک محصولی مبتنی است و لذا هر فردی با تخصص خود به یک شغل و حرفه مشغول است. به دلایلی که بیان شد در فضای جهانی، اقتصاد تک‌محصولی، اقتصادی شکننده و آسیب‌پذیر است. زیرا اقتصاد تک محصولی در مواقع بحرانی، امکان تاب آوری و انعطاف پذیری مقابل تکانه‌ها، مشکلات و تحریم‌ها را ندارد. کشور تک محصول و یا فاقد زنجیره کامل خلق ارزش[1]، همیشه در رقابت و جنگ اقتصادی محکوم به شکست است.

بدین ترتیب، اگر کشوری راه‌های تأمین کالاهای وارداتی یا بازارهای فروش کالاهای صادراتی خود را گوناگون کند و از وضعیت تک محصولی فاصله بگیرد و با خلق مزیت‌های جدید اقتصادی امکان تأمین بعضی نیازها را در داخل فراهم کند و به علم و فناوری و اقتصاد دانش بنیان توجهی بیشتر داشته باشد به وضعیت استقلال و استحکام اقتصادی نزدیک‌تر می‌شود.

کشور ما در گذشته به شدت به درآمدهای نفتی وابسته بود و کشوری تک محصولی به‌شمار می‌رفت. در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از جنگ تحمیلی، دولت‌ها تلاش کردند تا منابع درآمدی کشور تا حدّ امکان گوناگون بشود و وابستگی به درآمدهای نفتی کاهش بیابد. هر چند هنوز هم اقتصاد ما به درآمدهای نفتی وابستگی دارد، میزان درآمد ناشی از صادرات غیرنفتی به‌سرعت افزایش یافته است؛ به عبارت دیگر، درآمدهای صادراتی کشور گوناگون‌تر شده و از وضعیت تک محصولی فاصله گرفته است.

از سوی دیگر با تلاش فراوان در عرصهٔ علم و فنّاوری و تجاری سازی فناوری‌های نوین و تأسیس شرکت‌های دانش بنیان، سعی شده است توان فنی کشور افزایش یابد و امکان تأمین نیازهای صنایع کشور در داخل فراهم بشود. در حال حاضر کشور ما با ساخت ماهوارهٔ امید با فناوری کاملاً بومی

۱ــ زنجیره خلق ارزش به تمامی مراحل ایجاد ارزش افزوده می‌گویند. کشورهای توسعه نیافته صرفاً بخشی از کالا را تولید می‌کنند و بنابراین همه خلق ارزش و منافع تولید کالای نهایی نصیب آنها نمی‌شود.

و قراردادن آن در مدار، پیشرفت چشمگیری در دانش هوا و فضا کسب کرده است. همچنین در بیوتکنولوژی، انرژی هسته‌ای، فناوری نانو، لیزر، یاخته‌های[1] بنیادین، صنایع دفاعی و نظامی و....، جزو چند کشور اول دنیا قرار گرفته است و بدین طریق در مسیر قطع وابستگی به قدرت‌های بزرگ و رسیدن به مرحلهٔ استقلال اقتصادی، گام برداشته‌ایم.

تحریم اقتصادی

یکی از ابزارهای رقابت و یا جنگ اقتصادی، «تحریم اقتصادی» است. کشورهای زورگو با اهداف اقتصادی (کسب منافع بیشتر)، سیاسی (براندازی یا اعمال فشار) و یا حتی به عنوان ابزارمکمل جنگ نظامی از تحریم اقتصادی استفاده می کنند. تحریم اقتصادی، موجب افزایش هزینه مبادله و سختی صادرات و واردات می‌شود به گونه‌ای که کشور تحریم شونده مجبور می‌شود کالای مورد نیاز خود را با قیمتی گران‌تر و از بازار سیاه تهیه کند.

تحریم‌های اقتصادی دو دسته است :

۱ــ تحریم تجاری (مانع تراشی در مقابل صادرات و واردات کالا، خدمات و عوامل تولید مثل سرمایه)

۲ــ تحریم مالی (مانع تراشی در مقابل مبادلات مالی، بانک‌ها و بیمه‌ها)

در گذشته تحریم‌های تجاری بیش از تحریم‌های مالی رایج بود؛ اما امروزه جهانی شدن اقتصاد، موجب شده است روز به روز از میزان تأثیرگذاری دسته اول تحریم‌ها یعنی تحریم‌های تجاری کاسته شود. در مقابل، شبکه گسترده و یکپارچه پولی و مالی، که بعد از جنگ جهانی دوم برپا شد،موجب شد کشورهای تحریم کننده از فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی، و نهادهای مالی و پول‌های بین المللی (دلار و یورو) استفاده کرده و تحریم‌های بانکی و بیمه‌ای اعمال کنند.

تحریم‌ها هزینه‌هایی را بر کشور تحریم شونده تحمیل می کند؛ اما برخلاف تصور اولیه، کشور تحریم‌کننده و سایر کشورها نیز از تحریم زیان می‌بینند. همچنین برخلاف تصور عمومی، تحریم می‌تواند منافعی نیز داشته باشد[2]. تحریم موجب می‌شود که کشور تحریم شونده با اتکا به نیروهای داخلی به تولید دست بزند و مزیت‌های اقتصادی و رقابتی کسب کند. با اجرای صحیح این سیاست، اقتصاد درون‌زا تحقق می یابد.

۱ــ واژهٔ مصوب فرهنگستان به‌جای سلول

۲ــ متخصصان اقتصاد تحریم با مطالعه بیش از ۱۴۰ نمونه تحریم اقتصادی در یک صدسال گذشته معتقدند به طور متوسط پس از چهار سال کفه هزینه ــ فایده، تحریم به سمت فایده و منافع کشور تحریم شونده چرخیده است.

کشور ما، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با بلوکه شدن اموال و دارایی‌های خود، مشمول تحریم‌های امریکا شد. در طول جنگ تحمیلی هم از سوی دشمنان، شدیدترین تحریم‌های نظامی و غیر نظامی علیه ما به اجرا گذاشته شد. در سال‌های اخیر هم کشورمان به بهانه‌های واهی تحریم‌های مختلف نفتی[1]، دارویی، هواپیمایی، فناوری‌های مهم و بانکی و بیمه‌ای را نیز تجربه کرده است. هر چند اقتصاد ایران به دلیل تحریم دچار هزینه هایی شد، تحریم کننده‌ها به اهداف خود نرسیدند؛ ضمن اینکه این تحریم‌ها منافعی برای بخش‌هایی از کشور به همراه داشت و نشان داد که اقتصاد ایران در مقایسه با کشورهای مشابه بسیار مقاوم است.

فعالیت ۶-۱

در مورد تأثیرات مثبت و منفی تحریم اقتصادی در اقتصاد کشورها در کلاس گفت‌وگو کنید.

اتحادیه‌های اقتصادی و سازمان‌های بین المللی

کشورها در اعمال سیاست‌های تجاری خود بین کشورهای دوست و شریکان تجاری با سایر کشورها یکسان عمل نمی‌کنند؛ با برخی از کشورها، روابط تجاری و اقتصادی بیشتر از دیگران برقرار می‌کنند و با تشکیل اتحادیه‌های اقتصادی یا بلوک‌های تجاری، سعی در افزایش مبادلات تجاری بین خود و اعضای آن اتحادیه و کاهش موانع تجاری دارند.

بازرگانیِ منطقه‌ای که امروزه در بسیاری از مناطق جهان صورت می‌گیرد براساس همین قاعده است؛ برای مثال، کشورهای اروپایی با تشکیل اتحادیهٔ اقتصادی و حتی انتخاب پول واحد، بازرگانی کل اروپا را تقریباً به‌صورت بازرگانی داخلی درآورده‌اند. اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا معروف به آسه‌آن (ASEAN[2]) با ده عضو، پس ازامریکا، ژاپن و اتحادیه اروپا چهارمین منطقه قدرتمند تجاری

اجلاس سران کشورهای اسلامی ـ تهران ۱۳۷۶

۱ــ از دیرباز اقتصاددانان ایران آرزو می‌کردند تا دولت‌ها کمتر از درآمدهای نفتی استفاده کنند. تحریم نفت، موجب شد سهم درآمدهای نفتی در بودجه جاری کشور کاهش یابد و دولت بیشتر به اقتصاد و تولید ملی و رونق اقتصادی بیندیشد.

۲ــ Association of South East Asian Nations

در جهان به‌شمار می‌رود. سازمان کنفرانس اسلامی با فکر گردهم آوردن دولت‌های اسلامی و ایجاد نوعی اتحاد میان کشورهای اسلامی در سال ۱۹۷۲ میلادی تشکیل شد. هر چند این سازمان نهادی صرفاً اقتصادی نیست، نهادهای فرعی اقتصادی مثل مرکز اسلامی توسعهٔ تجارت، بانک توسعهٔ اسلامی و اتاق صنعت و بازرگانی اسلامی دارد.

گسترش مبادلات و تعاملات جهانی در قرن گذشته، ضرورت وضع مقررات و قوانین جهانی و تأسیس سازمان‌های تنظیم کننده و ناظر بر امور اقتصادی و مالی را بیش از پیش مطرح کرد؛ ضمن اینکه قدرت‌های برتر نیز به دنبال اعمال حکمرانی جهانی بودند. در این وضعیت، سازمان‌های بین‌المللی شکل گرفت و گسترش یافت. بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول (IMF[1]) و سازمان تجارت جهانی (WTO[2]) از مهم‌ترین سازمان‌های تأثیرگذار بر اقتصاد کشورها و اقتصاد جهانی به‌شمار می‌روند.

فعالیت ۷-۱

در مورد نقش مثبت و منفی اتحادیه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در کلاس گفت‌وگو کنید.

پرسش

۱ــ به نظر شما، چرا کشورها به تجارت بین‌الملل روی می‌آورند؟

۲ــ محدودیت‌هایی را ذکر کنید که درگذشته مانع رشد و توسعهٔ تجارت بین‌الملل می‌شد.

۳ــ عواملی که انگیزهٔ تجارت بین‌الملل را در افراد ایجاد می‌کند یا آن را از بین می‌برد، برشمرید.

۴ــ مزیت مطلق و مزیت نسبی چیست؟

۵ــ وضعیت اقلیمی چگونه بر تجارت بین‌الملل تأثیر می‌گذارد؟

۶ ــ مصرف‌کنندگان از تجارت بین‌الملل چه سودی می‌برند؟

۷ــ انواع سیاست‌های تجاری را نام ببرید؛ در چه مواردی از آنها باید بهره جست؟

۸ــ تحریم اقتصادی چیست و چگونه بر اقتصاد کشور تأثیر می‌گذارد؟

۱ــ International Monetary Fund

۲ــ World Trade Organization

فصــل دوم

اقتصاد ایران

اقتصاد ایران چه مسیری را طی کرده است؟

دولت در مسیر تاریخی اقتصاد ایران

در طول چند قرن اخیر، کشور ما از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، فراز و نشیب‌های مهمی را پشت سر گذاشته و مسیر دشواری را طی کرده است. زمانی که جوامع اروپایی با پشت سرگذاشتن مراحل اولیهٔ انقلاب صنعتی در مسیر توسعه و پیشرفت‌های سریع قدم برمی‌داشتند، ایران به دلیل وضعیت خاص اجتماعی ــ سیاسی خود در مسیری نامناسب قرار گرفت و مدت‌ها از توسعه و تحول بازماند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که دولت در جریان توسعهٔ ایران در چند قرن اخیر چه نقشی داشته است؟

در پاسخ به این سؤال می‌توان این بخش از تاریخ معاصر ایران را به سه دورهٔ متمایز تقسیم کرد :

الف) اقتصاد ایران در سال‌های قبل از ۱۳۰۰هـ.ش :

اقتصاد ایران به دلیل وسعت و پهناوری جغرافیایی، برخورداری از منابع طبیعی و قرار گرفتن در چهارراه بین المللی و تلاقی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا از دوران باستان جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد جهان داشته است. وجود حکومت‌ها و سلسله‌های بزرگ، لشگرکشی‌ها و جنگ‌ها و پهناوری مرزهای

ایران باستان، جاده ابریشم و تجارت با چین و امپراتوری روم از اهمیت اقتصاد ایران در آن دوران، و بزرگی اقتصادی نشان دارد که توانسته بود نیازهای آن زمان کشور را تأمین کند. طی هفت قرن دوران شکوفایی تمدن اسلامی، جلوه‌هایی از پیشرفت اندیشه اقتصادی[1]، تأمین مالی تولید علم، عمران و آبادانی و ساخت زیرساخت‌ها و موقوفات را می توان در اقتصاد ایران و جهان اسلام مشاهده کرد. متخصصان تاریخ اقتصادی دنیا، این دوره زمانی را مورد مطالعه قرار می‌دهند که چگونه احکام اقتصادی اسلام پایه قواعد و مقررات اقتصادهای موفق آسیای میانه، آسیای غربی و جنوب غربی، شمال آفریقا و حتی جنوب اروپا قرار گرفته است.[2] البته شکوفایی اقتصادی ایران در آن دوران، الزاماً به معنای عادلانه بودن آن نبود و حکومت‌های محلی آن زمان، گاه در دریافت خراج و تحمیل هزینه‌های خود بر مردم مشکلاتی را به‌وجود می‌آوردند.

رونق و آبادانی اقتصاد ایران را تا سلسله زند و اواسط حکومت صفویه می‌توان از زیربناها و عمران بندرها، بازارها، مدارس علمی، کاروانسراها، مساجد باقیمانده و فعالیت‌های عام المنفعه مشاهده کرد. در نیمه اول حکومت صفویه، علاوه بر یکپارچگی سیاسی، اقتصاد یکپارچه و مستقلی شکل گرفت که با سایر لایه‌های دینی و اجتماعی و فرهنگی کشور هماهنگی مناسب داشت. اما دوره پایانی حکومت صفویه، حمله افغان و حتی کشورگشایی نادر و دست اندازی به اقتصاد هند، اقتصاد ایران را تضعیف، و از کانون تحولات دور کرد. حاکمان وقت از موقعیت جهان و وظایف خطیر تاریخی خود تصور درستی نداشتند و بدین دلیل نتوانستند با انتخاب روش درست و بهره‌برداری از اوضاع خاص آن زمان، جریان پیشرفت و نوسازی را آغاز کنند.

این وضعیت با تغییر و تحول سریع در اروپا و شکل‌گیری قدرت‌های بزرگ در آن قاره مصادف بود. دولت‌های اروپایی با تجهیز ناوگان خود به رقابت شدید نظامی و تجاری با یکدیگر و استعمار پرداختند. این رقابت و همچنین استعمار موجب تسریع جریان پیشرفت این کشورها شد. آنها از یک سو با چنگ انداختن بر دارایی‌های سایر ملت‌های جهان به ثروت‌اندوزی پرداختند و از سوی دیگر در رقابت با یکدیگر به نوسازی سریع صنایع و تولیدات خود اقدام کردند.

در دوران قاجار، بی‌کفایتی و عیاشی حکام به اوج رسید و ایران فرصت طلایی خود را برای جبران عقب‌ماندگی نسبت به اروپا ــ که در آن زمان هنوز چشمگیر نشده بود ــ از دست داد. تلاش حاکمان

۱ــ به‌طور مثال می‌توان به اندیشه‌های اقتصادی ابن سینا و ابن مسکویه اشاره کرد. متأسفانه این بخش از تاریخ اقتصادی بشر در کتاب‌های درسی مطالعه نمی‌شود.

۲ــ به عنوان مثال در موقعیتی که در اروپا بربریت حاکم بود و زنان حتی حق مالکیت نداشتند، وقف نامه‌های باقیمانده از زنان مسلمان ایرانی، حجم عظیمی از مالکیت و سرمایه‌گذاری و مشارکت ایشان را در تولید نشان می‌دهد.

صرف تحکیم پایه‌های حکومت خود، افزودن بر خزانه از طریق غارت دسترنج مردم و اعطای امتیازات به وابستگان و خادمان خود و نیز تأمین هزینه‌های گزاف دربار، سفرهای خارجی و تجملات می‌شد.

از دست دادن بخش‌های مهمی از سرزمین و منابع ایران، هزینه‌های شکست در جنگ، عهدنامه‌های ننگین و مبالغ جریمه‌های گزاف آنها، بی‌توجهی به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، سیاست‌های رکودی و انقباضی (افزایش بیش از حد مالیات)، نبودن برنامه‌ریزی و قانونگذاری اقتصادی، اعطای امتیازها به شرکت‌ها و کشورهای استعماری، تأسیس بانک‌های روسی و انگلیسی و سیل کالاهای خارجی، صدمات جدی بر ساختار اقتصاد ایران وارد کرد. معدود حرکت‌های مذهبی و ملی مثل دارالفنون و نظم مالی و اداری امیرکبیر، تأسیس شرکت اسلامیه و تحریم کالاهای خارجی توسط علمای اصفهان، تحریم تنباکو و لغو قرارداد رژی توسط مرحوم میرزای شیرازی، توصیه‌های علما به شاهان قاجار برای توجه به صنایع و پیشرفت‌های علمی جدید[1] و بیانیه‌های حمایت از تولید ملی، متأسفانه در اقتصاد ایران نتیجه لازم را به بار نیاورد.

برای مطالعه

دفاعی تاریخی از اقتصاد اسلامی ــ ایرانی

اقدامات بزرگان و علما نظیر فتوای تحریم تنباکو در مقابل امتیاز رژی و نیز بیانیه جمعی از علمای اصفهان در ۲ جمادی الثانی ۱۳۲۴ هجری قمری نمونه‌هایی از تلاش برای حفظ اقتصاد ایران بود. این بیانیه که در زیر آمده بسیار خواندنی است.

«این خدام شریعت مطهره با همراهی جناب رکن‌الملک، متعهد و ملتزم شرعی شده‌ایم که مهما امکن بعد ذلک تخلف ننماییم...

اولاً: قبالجات و احکام شرعیه از شنبه به بعد روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شود. اگر بر کاغذهای دیگر نویسند، مهر ننموده و اعتراف نمی‌نویسیم. قباله و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرارداد باشد، امضا نمی‌نماییم. حرام نیست کاغذ غیر ایرانی و کسی را مانع نمی‌شویم؛ ماها به این روش متعهدیم.

ثانیاً: کفن اموات، اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانی یا پارچه‌های دیگر ایرانی باشد، متعهد

۱ــ به‌طور مثال می‌توان به مرحوم آخوند خراسانی (ره) اشاره کرد. وی تأکید داشت که برای جبران عقب ماندگی ممالک اسلامی باید علوم نوین و فنون جدید رواج یابد و نهادهای لازم تمدنی ایجاد شود. شیوه‌های فراگیری دانش توسط کودکان را در مکاتب و مدارس اصلاح نمود و انواع مورد نیاز زبان خارجه فرا گرفته شود. وی در زمینه اقتصاد نیز بر اقتصاد داخلی و تقویت آن اهمیت می‌داد و شرکت اسلامیه را با شدت تمام تأیید می‌کرد.

شده‌ایم برآن میت، ماها نماز نخوانیم. دیگری را برای اقامه صلوة بر آن میت بخواهند ماها را معاف دارند.

ثالثاً : ملبوس مردانه جدید، که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می‌شود، قرار دادیم مهما امکن، هر چه بدلی در ایران یافت می‌شود، لباس خودمان را از آن منسوخ نماییم و منسوخ غیرایرانی را نپوشیم و احتیاط نمی‌کنیم و حرام نمی‌دانیم لباس‌های غیرایرانی را، اما ماها ملتزم شده‌ایم حتی‌المقدور بعد از این تاریخ، ملبوس خود را از منسوج ایرانی بنماییم. تابعین ماها نیز کذلک و متخلف توقع احترام از ماها نداشته باشد. آنچه از سابق پوشیده و داریم و دوخته، ممنوع نیست استعمال آن.

رابعاً : مهمانی‌ها بعد ذلک ولو اعیانی باشد، چه عامه، چه خاصه، باید مختصر باشد یک پلو و یک خورش و یک افشره. اگر زاید بر این کسی تکلف دهد، ماها را به محضر خود وعده نگیرد. خودمان نیز به همین روش مهمانی می‌نماییم. هر چه کمتر و مختصرتر از این تکلف کردند، موجب مزید امتنان ماها خواهد بود».

ب) اقتصاد ایران از ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ : روند افول اقتصاد ایران با حکومت رضاخان و تشکیل سلسلهٔ پهلوی تشدید شد و تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ادامه یافت.

ویژگی عمدهٔ این دوره، جدا شدن اقتصاد ایران از ابعاد هویتی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و دینی خود بود؛ ضمن اینکه اقتصاد ایران به جای تکیه بر پایه های بومی و درونزای داخلی و ملی خود به بیرون از مرزها و قدرت‌های بزرگ متکی شد. با این حال، حتی ایجاد زمینه های قانونی (مثل قانون تجارت، قانون تعاونی‌ها و...) و زیرساخت‌های مواصلاتی (مانند خط آهن، پل، راه)، امنیت نسبی، گسترش مدارس و دانشگاه‌ها و بهبود بهداشت هم نتوانست اقتصاد ایران را از ضعف ساختاری و هویتی برهاند. تعدّی حکومت پهلوی بر موقوفات و مالکیت‌های خصوصی و عمومی، واگذاری منابع نفتی و معدنی به بیگانگان، اجرای برنامه موسوم به انقلاب سفید، که آخرین لطمه را بر بدنه کشاورزی و اقتصاد روستایی ایران زد بر بیماری اقتصاد ایران افزود. نوسازی و توسعهٔ ایران در این زمان به‌صورتی ظاهری و سطحی و با صنایع مونتاژ انجام شد و درآمدهای نفتی هم با تبدیل ایران به بازار مصرفی کالاهای کشورهای پیشرفته، وابستگی دولت به آن و غفلت از اقتصاد مردمی، بیماری اقتصاد ایران را تشدید کرد. در این دوران، دولت حضوری گسترده در عرصهٔ اقتصاد کشور داشت و توانست سازمان و تشکیلات خود را نوسازی کند و شکل جدیدتری به خود بگیرد؛ در عین حال، نظام نوینی در مالیات‌گیری و بودجه‌بندی کشور پدید آمد و برخی شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و انسانی بهبود یافت. از سوی

دیگر در نتیجهٔ افزایش درآمدهای نفتی، قدرت اقتصادی دولت افزایش یافت. در این زمان، دولت با هدف ایجاد توسعهٔ نمایشی به اجرای طرح‌های عمرانی متعدد در کشور پرداخت و بدین‌ترتیب، بخشی از درآمدهای نفتی کشور، صرف ساخت‌و ساز شد. کارخانه‌ها و مؤسسات زیادی شکل گرفت و دولت به عنوان کارفرمای بزرگ در عرصهٔ اقتصاد مطرح شد.

فعالیت ۱-۲

در مورد تحولات اقتصادی ایران از سال ۱۳۰۰ تا زمان پیروزی انقلاب گفت‌وگو کنید.

پ) اقتصاد ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی : با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن‌ماه ۱۳۵۷، ملت ایران بر سرنوشت خود حاکم شد؛ بساط حاکمان وابسته به بیگانه را از کشور برچید و با تصمیم و عزم خود و با توکل به نصرت الهی، حرکت به سمت پیشرفت را آغاز کرد.

بعد از شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، آنچه مورد نظر رهبر انقلاب اسلامی ایران، امام‌خمینی(ره) و خواسته ملت بود در قانون اساسی کشور تجلی یافت و تصویری از خطوط کلی اقتصاد مطلوب ایرانی ــ اسلامی نیز در آن درج شد. برای شناخت ویژگی‌ها و بایسته‌های اقتصاد انقلاب اسلامی ایران لازم است به بخش‌های مهم آن توجه شود.

اقتصاد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی در هر کشوری چارچوب کلی نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن را معلوم می‌سازد. تمام قوانین و ضوابط در آن جامعه براساس روح حاکم بر قانون اساسی تدوین می‌شود؛ بدین‌ترتیب، نوع نگاه جامعه به اقتصاد و قوانین حاکم بر آن در اصول اقتصادی قانون اساسی آن کشور جلوه‌گر می‌شود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که در سال ۱۳۵۸ تدوین شده است در موقعیتی مطرح شد که انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و با پایمردی بی‌نظیر مردم و حمایت همه جانبهٔ آنان در بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسیده و مقدمات تأسیس حکومتی بر پایهٔ آموزه‌های اسلامی فراهم شده بود. خواست عمومی مردم از یک سو، برچیده شدن روابط غلط اقتصادی در دوران رژیم سابق و از سوی دیگر، طراحی نظام اقتصادی ــ اجتماعی بر پایهٔ اصول انسان‌ساز اسلام بود. قانون اساسی با رعایت هر دو خواستِ مردم تدوین شد.

فصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که شامل اصول چهل و سوم تا پنجاه و پنجم می‌شود با عنوان اقتصاد و امور مالی به مسائل اقتصادی کشور پرداخته و چارچوب کلی نظام اقتصادی مطلوب خود را ترسیم کرده است. البته مباحث مرتبط با اقتصاد در قانون اساسی به این اصول محدود نمی‌شود و اصول دیگری هم به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با مسائل و امور اقتصادی مرتبط است. (مثل تأمین اجتماعی در اصل ۲۹)

در اینجا محورهای کلی و ویژگی‌های اساسی نظام اقتصادی کشور از دید قانون اساسی مورد توجه قرار می‌گیرد.

مقدمه : اقتصاد وسیله است نه هدف

در مقدمهٔ قانون اساسی آمده است :

«در تحکیم بنیان‌های اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی؛ زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود ولی در اسلام، اقتصاد وسیله است و از وسیله، انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف، نمی‌توان داشت.»

اصل ۴۳ : اقتصاد مردمی و رد سلطه بیگانگان

در اصل چهل و سوم قانون اساسی آمده است :

«برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می شود :

۱ ــ تأمین نیازهای اساسی : مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲ ــ تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند در شکل تعاونی از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳ ــ تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر

فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴ ــ رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری.

۵ ــ منع اضرار به غیر[1] و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

۶ ــ منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷ ــ استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

۸ ــ جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹ ــ تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.»

اصل ۴۴ : محدوده فعالیت بخش‌های اقتصادی

اصل چهل و چهارم قانون اساسی با تعیین سه بخش مهم در اقتصاد، گستره فعالیت آنها را مشخص می‌سازد :

«نظام اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می کند.»

۱ــ ضرر زدن به دیگران

فعالیت ۲-۲

با مراجعه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، گزارش مختصری از اصل ۴۴ به کلاس ارائه کنید.

اصل ۴۵ : منابع مالی حکومت برای ایفای وظایف

«انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می کند.»

اصول ۴۶، ۴۷ و ۴۹ : حقوق اقتصادی شهروندان

مطابق اصل چهل و ششم، «هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.» همچنین اصل چهل و هفتم تأکید می کند : «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می کند.» بدین ترتیب بنیان‌های حقوق اقتصادی شهروندان و فعالان اقتصادی در این دو اصل تعیین شده است.

در زمینه مبارزه با ثروت‌اندوزی از روش‌های غیرقانونی و نامشروع و بازگرداندن ثروت‌های ناشی از این گونه اعمال در اصل چهل و نه آمده است : «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.»

اصل ۴۸ : عدالت منطقه‌ای و استانی

مطابق اصل چهل و هشتم : «در بهره برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در

سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم را در دسترس داشته باشد.»

اصل ۵۰ : توسعه پایدار و عدالت بین نسلی

در اغلب کشورهای توسعه یافته، پیشرفت‌ها به بهای تخریب شدید محیط‌زیست بوده است درحالی که جریان توسعه و رشد اقتصاد کشور باید به گونه‌ای سازماندهی شود که به محیط‌زیست آسیبی وارد نشود؛ زیرا اگر رشد اقتصادی به همراه تخریب محیط‌زیست باشد، امکان تداوم رشد در سال‌های بعد از بین می‌رود و به عبارتی، امکان دستیابی به پیشرفت و توسعهٔ پایدار و مداوم وجود نخواهد داشت. اصل پنجاهم تأکید دارد :

«در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن، که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»

فعالیت ۳-۲

کشورها برای حفاظت از محیط زیست خود، صیانت از منابع طبیعی و کاهش آلودگی آب و هوا، چه اقداماتی را انجام داده‌اند؟ در این مورد گفت‌وگو کنید.

اصول ۵۱ تا ۵۵ : مالیه دولت

پنج اصل به مباحث مالی دولت شامل دریافت‌ها و درآمدهای دولت، بحث بودجه و نهادهای تصویب کننده و ناظر بر حسن اجرای آن تأکید دارد، که در فصل پیشین به آنها پرداختیم و از تکرار خودداری می‌کنیم.

دولتی شدن اقتصاد ایران

دولتی‌شدن بیش از حد اقتصاد ایران در پایان حکومت پهلوی و با افزایش درآمدهای نفتی شکل گرفت. در سال‌های اوّل بعد از پیروزی انقلاب نیز به دو دلیل نقش دولت و حضور آن در اقتصاد افزایش یافت :

۱ــ به دنبال اعلام قانون ملی شدن بعضی از فعالیت‌های اقتصادی، ادارهٔ تعداد قابل توجهی از کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی ــ تجاری به دولت سپرده شد؛ دو مسئله باعث این کار شد :

اول، این کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی ــ تجاری عمدتاً به وابستگان دربار متعلق بود و آنها با غارت ثروت ملت،مالکیت این واحدها را تصاحب کرده بودند.

دوم، این افراد در ماه‌های آخر حکومت پهلوی با استقراض از بانک‌ها بسیاری از ذخایر کشور را به خارج منتقل کردند و خود نیز گریختند و در نتیجه، کارخانه‌های ورشکسته و مقروض آنان به‌تملک بانک‌ها و دولت درآمد.

۲ــ سهم دولت در اقتصاد در وضعیت جنگی در همه کشورها افزایش می یابد. از این‌رو در اقتصاد ایران هم با آغاز جنگ تحمیلی علیه ایران ــ که با حمایت قدرت‌های بزرگ جهان شکل گرفت ــ و نیز محاصرهٔ اقتصادی ایران ــ که با هدف تضعیف توان اقتصادی و دفاعی کشور انجام گرفت ــ وضعیتی (جنگ نظامی و جنگ اقتصادی) پدید آمد که دولت به ناچار و ناخواسته در عرصهٔ اقتصادی کشور حضور یافت و با هدف جلوگیری از کنترل بحران‌ها و نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی به فعالیت در این عرصه پرداخت.

پس از جنگ، سعی شد تا دولت به نقش و وظایف اصلی خود بازگردد و مشارکت بخش‌های خصوصی و مردمی را افزایش دهد.

فعالیت ۴-۲

در مورد تحولات اقتصادی ایران از پیروزی انقلاب تا پایان دههٔ اول انقلاب گفت‌وگو کنید.

پرسش

۱ــ اقتصاد ایران در دوران صفویه چه ویژگی‌هایی داشت؟

۲ــ چه عواملی موجب تضعیف اقتصاد ایران در دوران قاجار شد؟

۳ــ آسیب‌های برجای مانده بر پیکر اقتصاد ایران از دوره پهلوی را نام ببرید.

۴ــ ویژگی‌های اساسی نظام اقتصادی کشور را از دیدگاه قانون اساسی فهرست کنید.

۵ــ در اصل چهل و سوم قانون اساسی برای رسیدن به استقلال اقتصادی بر چه نکات محوری تأکید شده است؟

۶ــ قانون اساسی، مشروع بودن مالکیت را چگونه مورد توجه قرار داده است؟

۷ــ قانون اساسی برای رفع تبعیض بین مناطق کشور، دولت را به چه کارهایی مکلف کرده است؟

۸ــ در قانون اساسی به منظور حفظ محیط‌زیست و توسعهٔ پایدار چه تدبیری اندیشیده شده است؟

فصـــل سوم

اقتصاد ایران در مسیر پیشرفت

چه تصویری از اقتصاد پیشرفته ایران دارید؟

در حال حاضر، تحقق عدالت و پیشرفت اقتصادی برای تمامی جوامع، هدفی مهم به شمار می‌رود. کشورهای عقب مانده یا عقب نگاه داشته شده، می‌کوشند خود را از قید و بند موانع داخلی و خارجی برهانند و با دستیابی به پیشرفت اقتصادی، وضع مناسبی را برای زندگی افراد جامعه فراهم کنند.

در این موقعیت، دولت‌ها در صف مقدم اقدام برای پیشرفت همه جانبه کشور خود هستند و با جدیت تمام تلاش می‌کنند تا حرکت به سمت عدالت و پیشرفت را در جامعه آغاز کنند یا آن را سرعت بخشند.

هر چند دولت‌ها به عنوان قوه مجریه کشور با داشتن بودجه و سیاست‌گذاری و مقررات گذاری اقتصادی و مالی، نقش اساسی در برنامه ریزی اقتصادی دارند، این به معنای نادیده گرفتن اهمیت قوه مقننه و قوه قضاییه در تحقق اهداف اقتصادی نیست.

اصولاً ریل‌گذاری قانونی، تأیید و تصویب برنامه‌ها بر عهده قوه مقننه و برقراری نظم، سلامت، پیشگیری و برخورد با مفاسد و اقدامات غیرقانونی با قوه قضاییه است. اجرای قوانین و برنامه ها نیز

بر عهده قوه مجریه است؛ بنابراین همه ارکان و قوای کشور در تحقق عدالت و پیشرفت نقش مهمی ایفا می کنند.

حرکت به سوی پیشرفت اقتصادی

در دهۀ دوم عمر انقلاب اسلامی، عزم کشور بر حل مشکلات اقتصادی برجای مانده از زمان پهلوی و بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ بود. همچنین برای آغاز جهش اقتصادی و پر کردن عقب‌ماندگی‌ها، نیازمند زیرساخت‌های اقتصادی لازم مثل راه و ترابری، بندر و اسکله، نیروگاه برق، صنایع پایه مثل فولاد، مخابرات، پتروشیمی، بهداشت، سلامت و افزایش دانشگاه‌ها بودیم؛ بنابراین دوره سازندگی اقتصادی شکل گرفت.

این روند در دهه سوم انقلاب نیز ادامه داشت، ضمن اینکه به ثمر رسیدن بسیاری از طرح‌های اقتصادی و مولد، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه کشور را بهبود بخشید. در نمودار زیر مشاهده می‌شود که چگونه تولید و درآمد سرانه کشور بعد از جنگ افزایش یافته است :

نمودار ۱ ــ روند درآمد سرانه ایرانیان به قیمت‌های ثابت

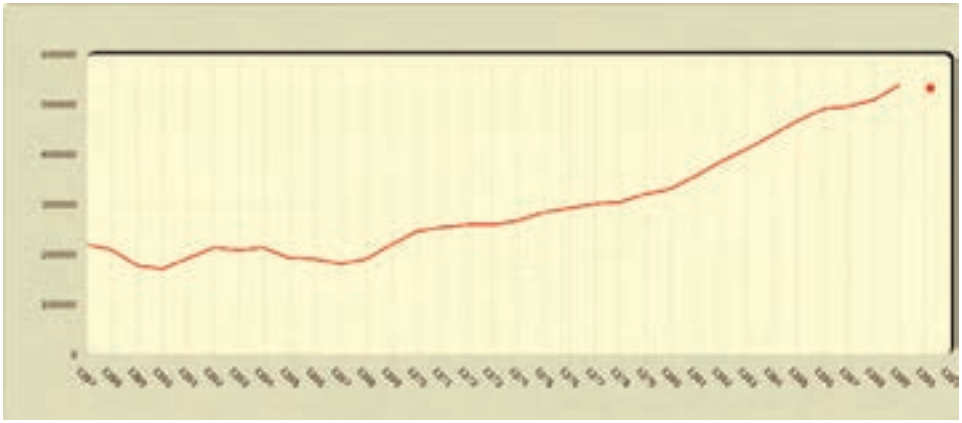

همچنین در این ایام دولت با بازنگری نقش خود در عرصۀ اقتصاد، کاهش برخی فعالیت‌های غیرضروری خود در اقتصاد و دادن آزادی عمل بیشتر به بخش خصوصی، تلاش‌هایی را آغاز کرد. از آن زمان تاکنون، سیاست کلی دولت، تشویق مردم به فعالیت هر چه بیشتر در عرصۀ اقتصاد و واگذاری

کارخانه‌ها و شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی بود که این روند همچنان ادامه دارد؛ به این ترتیب، زمینهٔ لازم برای افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی فراهم، و حرکت به سمت رشد و توسعهٔ اقتصادی واقعی امکان‌پذیر شد؛ بدین ترتیب دولت کوشید تا بر کارآمدی خویش بیفزاید. تلاش افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش کارایی و بهره‌وری در عرصهٔ اقتصاد به‌ویژه در چارچوب سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی، همچنان ادامه یافته است.

به‌رغم این تلاش‌ها و پیشرفت‌ها، ساختار اقتصادی ایران از تمامی مشکلات برجای مانده از دوران قاجار و پهلوی رها نشد. رهایی از وابستگی به درآمدهای نفتی و بهره‌وری ضعیف عوامل تولید، اصلاح فرهنگ غلط مصرفی مردم، کاهش بروکراسی (دیوان‌سالاری) اداری و رفع نابرابری ها، هنوز نیازمند کار و تلاش بیشتر بود. از سوی دیگر دشمن بعد از ناکامی در جنگ‌های نظامی، انتظامی، امنیتی و فرهنگی، جنگ اقتصادی را تشدید کرد.

با قرار گرفتن اقتصاد ایران در بین کشورهای در حال پیشرفت و ورود به رقابت‌های اقتصادی منطقه‌ای و علم و فناوری، دهه چهارم انقلاب با عنوان دهه عدالت و پیشرفت و با مجموعه‌ای از خط‌مشی‌های راهبردی مثل جهاد اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش بنیان و اقتصاد مردمی آغاز شد. با تأکید هوشمندانه مقام معظم رهبری از ابتدای دهه ۸۰، اقتصاد در اولویت مسائل کشور قرار گرفت. سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، طرح شعارهای سال ــ که اغلب مضامینی اقتصادی داشت ــ ابلاغ بیش از سی سیاست کلی، تدوین سند نقشه جامع علمی کشور و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مطالبه تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از جمله اقدامات دامنه‌داری است که نوید معماری اقتصادی نوین و پیشرفته را می‌دهد.

اولویت‌های اقتصادی سال

در ابتدای هر سال با توجه به مهم‌ترین و اصلی‌ترین مسائل کشور، یک «راهبرد سال» به پیشنهاد نخبگان کشور و توسط مقام معظم رهبری تعیین می‌شود. شعار سال در واقع نشان‌دهنده گفتمان و راهبردی است که در آن سال از بیشترین اولویت برخوردار است؛ هر چند بعد از پایان سال نیز باید نسبت به آن حساسیت و مراقبت لازم به عمل آید. در جدول صفحه بعد نام‌گذاری‌های اقتصادی سال‌های مختلف را می‌توان مشاهده کرد :

سال	شعار سال	سال	شعار سال
۱۳۷۰	مجاهدت عمومی برای سازندگی کشور	۱۳۸۴	همبستگی ملی و مشارکت عمومی
۱۳۷۲	عدالت اجتماعی	۱۳۸۷	نوآوری و شکوفایی
۱۳۷۳	وجدان کار و انضباط اجتماعی	۱۳۸۸	اصلاح الگوی مصرف
۱۳۷۴	انضباط اقتصادی و مالی	۱۳۸۹	همت مضاعف و کار مضاعف
۱۳۷۵	مبارزه با اسراف و زیاده‌روی	۱۳۹۰	جهاد اقتصادی
۱۳۷۶	کنار گذاشتن اسراف	۱۳۹۱	تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی
۱۳۷۷	صرفه‌جویی	۱۳۹۲	حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی
۱۳۸۰	اقتدار ملی و اشتغال	۱۳۹۳	اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی
۱۳۸۲	نهضت خدمت‌رسانی به مردم	۱۳۹۵	اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل

فعالیت ۱-۳

چند مورد از شعارهای سال را انتخاب کرده و در کلاس در مورد ضرورت‌ها و آسیب‌هایی که به طرح این راهبردها منجر شده است، بحث کنید.

با دقت در جدول مشخص می‌شود که بیش از نیمی از شعارهای سال (به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم) به موضوع «اقتصاد» مربوط است؛ به‌طور مثال در سال ۱۳۹۰و ۱۳۹۱ به ترتیب بر مسئله «جهاد اقتصادی» و «تولید ملی» تأکید شده است. منظور از «جهاد اقتصادی» این است که در اقتصاد به‌طور جهادی (تلاش خالصانه بیشتر و بهتر) عمل کنیم.

توجه به «تولید ملی» آثار مطلوبی بر اقتصاد کشور دارد؛ مانند افزایش درآمد دولت، افزایش اشتغال، کاهش تورم و... بنابراین خرید محصولات (کالا و خدمات) ایرانی، اقتصاد کشور را شکوفا

خواهد کرد. استفاده از محصولات ایرانی نشان دهنده حساسیت و غیرت ملی ما نسبت به آنها است و بیانگر رفتاری ارزشمند است. بدون تردید همه کسانی که کشور خود را دوست دارند، محصولات ایرانی را بر «کالای خارجی دارای مشابه داخلی» ترجیح می‌دهند و با افتخار از آنها استفاده می‌کنند.

ریل‌گذاری اقتصاد

سیاست‌های کلی کشور، مسیر اصلی اقتصاد را مشخص می‌کند. تاکنون بیش از ده سیاست کلی در زمینه اقتصاد توسط مقام معظم رهبری مشخص و ابلاغ شده است. توجه به این سیاست‌ها موجب می‌شود قطار اقتصاد در ریل خود حرکت کند و به مقصد نهایی برسد. جدول زیر، عناوین سیاست‌های کلی اقتصادی را نشان می‌دهد :

عنوان ابلاغیه	سال
سیاست‌های کلی «امنیت اقتصادی»	۱۳۷۹
فرمان «مبارزه با مفاسد اقتصادی»	۱۳۸۰
سیاست‌های کلی «انرژی»	۱۳۸۹
سیاست‌های کلی «اصل ۴۴ قانون اساسی»	۱۳۸۴
سیاست‌های کلی «بند ج اصل ۴۴ قانون اساسی»	۱۳۸۵
سیاست‌های کلی «برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران»	۱۳۸۷
سیاست‌های کلی «اصلاح الگوی مصرف»	۱۳۸۹
سیاست‌های کلی «تشویق سرمایه گذاری»	۱۳۸۹
سیاست‌های کلی «اشتغال »	۱۳۹۰
سیاست‌های کلی «تولیدملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی»	۱۳۹۱
سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی»	۱۳۹۲
سیاست‌های کلی «محیط زیست»	۱۳۹۴

چشم انداز اقتصاد

اقتصاد کشور باید پیوسته رشد و شکوفایی مستمر داشته باشد. برای دستیابی به این منظور، لازم است تمامی فعالان اقتصاد کشور تصویر مطلوبی از آینده داشته باشند. بیشتر کشورها این هماهنگی بین نخبگان، مردم و فعالان اقتصادی را با تدوین سند چشم انداز به‌دست می‌آورند. در «سند چشم انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران» نیز وضعیت اقتصادی در افق سال ۱۴۰۴ هـ.ش. توصیف و مشخص شده است؛ به عبارت دیگر، در سال ۱۴۰۴ هـ.ش. اقتصاد کشور در وضعیت و موقعیت (مقصد) تعیین شده بدین صورت خواهد بود :

«کشوری با جایگاه اول اقتصادی در سطح منطقه آسیای جنوب غربی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه، رسیدن به اشتغال کامل و . . . . لازم است که شاخص‌های کمی کلان برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالانه مانند میزان سرمایه گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، میزان اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه باید متناسب با این سند چشم انداز تنظیم و تعیین شود.»

فعالیت ۲-۳

با مراجعه به سایت مجمع تشخیص مصلحت نظام، در مورد رابطهٔ سیاست‌های ابلاغی فوق و تحقق چشم‌انداز بحث کنید.

اقتصاد مقاومتی ضامن پیشرفت

برای تداوم پیشرفت اقتصادی، علاوه بر ارتقای توان تولید به عنوان عنصر اساسی پیشرفت، مقاوم‌سازی اقتصاد و آسیب‌ناپذیری آن از فشارها و تکانه‌های مختلف الزامی است. اقتصاددانان با اصطلاحاتی مانند «ثبات اقتصادی»، «استحکام اقتصادی»، «ضد شکنندگی»، «تاب آوری اقتصاد»، و «پایداری» مسئله مقاوم سازی اقتصاد را پیگیری و اجرا می‌کنند.[۱]

اقتصاد ایران در یک صدسال اخیر به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی، همواره از سوی دشمنان دچار آسیب و تحریم و فشار بوده است. از سویی دیگر شتابی که در سال‌های اخیر داشته، مستلزم مقاوم سازی بیشتر و تقویت ساختارهاست و از این رو اقتصاد کشور برای حفظ و برطرف سازی موانع پیشرفت و شتاب بیشتر باید در مقابل بحران‌های داخلی و خارجی، مصون و مقاوم باشد.

۱ــ بدیهی است از نظر اقتصاددانان، مقاوم سازی اقتصادی با سیاست انقباضی موسوم به «ریاضت اقتصادی» هیچ ربطی ندارد.

در این وضعیت بحث از اقتصاد مقاومتی از سوی کارشناسان، نخبگان و مقام معظم رهبری مطرح، و سیاست‌های کلی آن به عنوان یک سند ملی پذیرفته شده توسط مسئولان و نخبگان کشور ابلاغ شد. این سند شامل مجموعه توصیه‌هایی است که در صورت رعایت، اقتصاد کشور را در مقابل آسیب‌ها مصون می‌سازد و پیشرفت اقتصادی را تضمین می‌کند.

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است پیشرفته، مردمی و دانش بنیان که در برابر تهدیدات و تکانه‌های داخلی و بیرونی آسیب ناپذیر است و با اتکا به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های داخلی و استفاده از فرصت‌های بیرونی، نیازها و مشکلات اقتصادی را رفع می‌کند و با تحریم‌ها و تهدیدات متوقف نمی‌شود. اقتصاد مقاومتی، تضمین کننده عزت و پیشرفت کشور در بلندمدت و رفع کننده مشکلات جاری در کوتاه مدت است.

فعالیت ۳-۳

تحقیق کنید در چه کشورهایی و چگونه برنامه مقاوم سازی اقتصادی اجرا شده است؟

مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را به طور خلاصه می‌توان در ده محور بررسی کرد :

۱ــ درونزایی :عوامل اصلی تولید در اقتصاد کشور به عنوان محرک اصلی پیشرفت باید از درون کشور نشأت بگیرد؛ زیرا اگر عوامل اصلی پیشرفت اقتصادی کشور به بیرون وابسته باشد در وضعیت بحرانی مثل تحریم دشمن عوامل اصلی پیشرفت کشور را محدود می‌سازد و کشور با مشکلات بسیاری روبه‌رو می‌گردد. سرمایه گذاری خارجی در صورتی می‌تواند به پیشرفت کشور کمک کند که عوامل داخلی تولید را تقویت کند؛ در غیر این صورت سرمایه گذاران خارجی در زمان بحران ممکن است تصمیم به خارج کردن سرمایه بگیرند و اگر رشد اقتصادی منبع درونی نداشته باشد با خروج منابع خارجی متوقف خواهد شد.

۲ــ برونگرایی و گسترش ارتباطات :رشد اقتصادی کشور وقتی تضمین می‌شود که آنچه در درون کشور تولید می‌شود، در سطح گسترده توسط کشورهای مختلف مورد استفاده قرار گیرد. از این رو صادرات محصولات با ارزش افزوده بالا به کشورهای متعدد در سراسر جهان، با اولویت کشورهای همسایه و شرکای تجاری، به مقاوم سازی اقتصاد کشور می‌انجامد.

۳ــ پیشرو ،مولد و فرصت ساز : پیشرفت اقتصادی برای ماندگاری، نیازمند خلق فرصت‌های جدید است. خلق فرصت‌های جدید براساس قدرت تولید و انتخاب عرصه مناسب فرصت ساز برای پیشرفت صورت می‌گیرد. افزایش قدرت تولید و انتخاب زنجیرهای اقتصادی دارای مزیت باید به عنوان محور حرکت اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

۴ــ مدیریت مصرف و بهره وری حداکثری : اقتصاد مقاوم همچنان که در مقابل موانع بیرونی استحکام لازم را حفظ می‌کند، باید به برطرف کردن ضعف‌های درونی نیز بپردازد. قدرت تولیدی و پیشرفت اقتصادی با چگونگی استفاده از منابع و میزان بهره‌وری ارتباط زیادی دارد. بهینه بودن نوع،میزان و زمان مصرف و همچنین بهره‌برداری حداکثری از منابع به تولید کمک شایانی می‌نماید.

۵ــ اقتصاد دانش بنیان : دانش، منبعی درونی و پایان ناپذیر است. به هر میزان تولید کشور بر پایه دانش بنا شود، مقاومت اقتصادی بیشتر محقق می‌شود.از طرفی به میزان بالاتر بودن سطح دانش در تولید کالاها و خدمات، ارزش افزوده آنها بیشتر، و درآمد بیشتری نصیب اقتصاد کشور می‌شود. علاوه بر تولید دانش بنیان، فراگیر شدن دانش در تمام سطوح تولیدی و به کارگیری آن توسط تمامی تولیدکنندگان، کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمدهای ملی را به ارمغان می‌آورد.

فعالیت ۴-۳

یک شرکت دانش‌بنیان را معرفی کنید و در مورد فعالیت‌های دانش بنیان آن بحث کنید.

۶ــ اقتصاد مردمی : برنامه‌ریزی مناسب برای مقاوم سازی اقتصاد، مستلزم توانمند سازی مردم در همه ابعاد است؛ زیرا پیشرفت اقتصاد هر کشور در گروی پیشرفت اقتصادی آحاد مردم است. رشد اقتصادی بیش از اینکه به رشد سرمایه‌های فیزیکی وابسته باشد، بهتر است به رشد توانمندی (سرمایه انسانی) و ارتقای قدرت تولیدی عموم مردم استوار گردد تا پیشرفت اقتصادی مطمئن‌تری را دربی داشته باشد. در اقتصاد مردمی، برنامه‌های دولت، زمینه ساز افزایش مشارکت مردم در اقتصاد است.در اثر رشد توانمندی‌های اقتصادی مردم، اقتصاد کشور با شتاب، استحکام، گستردگی و عمق بیشتر پیشرفت می کند.

۷ــ توزیع عادلانه ثروت و درآمد : توزیع عادلانه ثروت و درآمد علاوه بر در اختیار قرار دادن فرصت‌های برابر به‌منظور تولید برای عموم مردم یکپارچگی و توازن اقتصادی را ایجاد، و به حفظ پیشرفت اقتصادی کمک شایانی می‌کند.

۸ــ مقاوم سازی در برابر فشارها و تهدیدات : اقتصاد کشور باید در وضعیتی قرار گیرد که در صورت وارد شدن آسیب، توان برطرف کردن آن را در کوتاه‌ترین زمان ممکن داشته باشد و نه تنها در فشارها کمترین آسیب را متحمل شود بلکه تهدیدات اقتصادی را نیز به فرصت تبدیل کند و توانمندتر از گذشته به حرکت خود ادامه دهد. اقتصاد در عرصه بین الملل همواره با پیچیدگی‌ها و تنش‌هایی همراه است. علاوه بر تحریم‌ها، بحران‌ها و بیماری‌های اقتصادی کشورهای دیگر نیز در فضای بین‌المللی قابل انتقال به اقتصاد کشور است. همان‌طور که لازم است انسان در مقابل بیماری‌ها واکسینه شود، اقتصاد کشور نیز باید در برابر فشارها و تهدیدات، تمهیدات لازم را بیندیشد.

۹ــ توان تحریم شکنی : در اقتصاد بین الملل نمی‌توان وضعیتی را تصور کرد که هیچ تنشی برای کشور ایجاد نشود. بعد از پیروزی انقلاب، اهداف و آرمان‌های والای توحیدی و انسانی جمهوری اسلامی ایران، همواره با خصومت‌ها و دشمنی‌های استکبار جهانی روبه‌رو بوده است. تحریم اقتصادی، همان‌طور که از ابتدای انقلاب اسلامی ابزار اعمال فشار دشمنان کشور بوده است، در آینده نیز مورد استفاده دشمنان قرار می‌گیرد. بر این اساس توان تحریم شکنی اقتصاد کشور برای کشور اهمیت حیاتی دارد و آگاهی دشمنان از این توانایی موجب می‌شود که از تحریم اقتصادی دست بردارند.

فعالیت ۵-۳

فهرستی از کالاها و فناوری‌هایی را ارائه کنید که در دوران تحریم، متخصصان ایرانی توانستند جایگزین کنند.

۱۰ــ کاهش اتکای بودجه و تراز تجاری به درآمدهای نفتی : اگر اقتصاد کشور را به درخت یا گیاه در حال رشد تشبیه کنیم به هر میزان ریشه‌های گیاه در خاک عمیق‌تر و پراکندگی بیشتری داشته باشد، مقاومت آن در مقابل طوفان‌ها و فشارهای بیرونی افزایش می‌یابد. در مقابل، اقتصادهای تک محصولی همانند گیاهان و درختان تک ریشه، مقاومت و ماندگاری کمتری دارد و به راحتی از جای کنده می‌شود.

بنابراین هرچه منابع درآمدی کشور گوناگون‌تر باشد، مقاومت و در پی آن پیشرفت کشور بیشتر تضمین می‌شود. تأکید بر اصلاح نظام مالیاتی، افزایش صادرات غیر نفتی و حرکت به سمت فروش فراورده‌های نفتی به جای نفت خام به تنوع منابع درآمدی کشور کمک می‌کند.

پرسش

۱ــ منظور از ریل‌گذاری اقتصادی چیست؟

۲ــ چه تصویری از اقتصاد ایران در چشم انداز ۱۴۰۴ ارائه شده است؟

۳ــ چند مورد از مؤلفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی را نام ببرید.

۴ــ اقتصاد مردمی را توضیح دهید.